

اسنادی در باب طلب کاغذهای ابری

سعید خودداری نائینی

یکی از جلوه‌های زیبای کتاب‌آرایی ایرانی کاغذ ابری است که امروزه به نام کاغذ ابر و باد شناخته می‌شود. کاغذ ابری کاغذی است که بر آن با اختلاط رنگ‌های مختلف، طرح‌هایی به شکل موج و ابرهای در هم پیچیده نقش می‌شود.

این روش به دلیل فن ساخت آن جدای از نقاشی و تذهیب و اصطلاح ابر است که با قلم انجام می‌گیرد^۱. و چه تسمیه این کاغذها به دلیل شباهت ابری‌های آبی و سفید موجود در آن‌هاست که با شانه صورت داده‌اند و به ابرهای نقاشی قرن دهم شبیه‌اند و شاید ابری‌های اولیه باشند (نمونه تصویر شماره ۱). به دلیل شباهت زیاد ابری‌های اولیه به ابر و اقی است که صائب می‌گوید:

غلتا به کاغذ ابری کنند دیده‌وران فشرده بس که فلک ابرهای احسان را
و یا:

هست باران داشتن از کاغذ ابری طمع چشم ریزش از کف خشک لثیمان داشتن^۲
و بسیاری دیگر.

در این روش رنگ‌ها در ساختار کاغذ و در حوضچه‌های رنگ به کاغذ افزوده می‌شوند. پس از رواج کاغذ در دنیای اسلام کاغذهای رنگی نیز به دست هنرمندان ایرانی ساخته شد و رسالتی در باب ساخت کاغذهای الوان و رنگ کردن آن و نیز رنگ‌زدایی از کاغذ نوشته شد. نمونه‌های رنگ کردن چرم نیز به

۱. برای تفاوت‌های ابری سازی و ابر نک: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ذیل ابری و نیز برای شواهد تاریخی ابر

نک: دانش پژوه، محمد تقی، رنگ‌سازی در کاغذ و رنگ‌زدایی از آن، هنر و مردم شماره، ۱۸۱ص ۱۶.

۲. دیوان صائب تبریزی، به اهتمام جهانگیر منصور، سیمای دانش، ۱۳۷۸. ص ۱۲۲۴.

خصوص پوست الاغ (ساغری) که برای تجلید یا صحافی هر کتابی به کار نمی‌رفت، وجود دارد. پس از آن اختلاط رنگ‌ها جهت افزودن زیبایی بیشتر به کاغذ مورد آزمایش قرار گرفت. کاغذهای ابری به‌جای مانده از قرن ۱۰ و ۱۱ کاغذهای بسیار زیبایی هستند که بر حواشی نسخه‌های خطی و قطعات نقاشی و خوشنویسی (مقطعات) و یا تحشیه و تجلید مرقات استفاده شده‌اند. در برخی از قطعات قدیمی‌تر و یا جدیدتر نیز ابری‌های دوره صفویه دیده می‌شود. پاره‌ها و قراضه‌های این کاغذ به دلیل زیبایی و یا کمبود آن به دور ریخته نمی‌شد و در برخی مرقات کاغذهای ابری با انواع و کیفیات مختلف دیده می‌شود. در باب کاغذ ابری نیز مانند دیگر هنرهای ایرانی اسنادی وجود دارد که از چشم محققان پنهان مانده و بارها در مقالات مرتبط ذکر شده است. در اینجا دو نامه از کاغذسازان ایرانی برای یکی از ابری‌سازان ایرانی مقیم هند بر اساس نسخه خطی کتابخانه ملک منتشر می‌شود.

مجموعه شماره ۳۸۴۶ کتابخانه ملک به خط نستعلیق سده یازدهم مجموعه نامه‌ها و رقم‌ها و مناشیر دوره صفوی است که شماره ۶۴ آن نامه محمد یحیی قزوینی به میر محمد طاهر و اضع کاغذ ابری است^۱، و شماره ۷۳ آن، نامه ملا خلیل و قاری است به میر محمد طاهر و اضع کاغذ ابری در هند (همان ص ۱۰۰). در این مجموعه نامه‌های دیگری نیز وجود دارد که در باب تاریخ هنرهای ایرانی مفید است. به نظر می‌رسد از آنجایی که استاد دانش پژوه نیز تنها از نسخه ملک یاد کرده نسخه دیگری از این نامه‌ها شناسایی نشده باشد.

به احتمال زیاد اولین کسی که از این نامه‌ها استفاده کرده مرحوم احمد سهیلی خوانساری، کتابدار و کتاب‌شناس کتابخانه ملک بوده که در مقدمه گلستان هنر در هنگام بحث در باب ابری‌سازی از میر محمد طاهر، وی را از ایرانیانی می‌داند که در عهد شاه طهماسب به هندوستان رفته است.^۲ با اینکه وی ماخذ هیچ‌کدام از اسناد مورد استفاده و یا منتشره در حواشی این کتاب را اعلام نمی‌کند اما بعید نیست گفته وی در باب ایرانی بودن محمد طاهر، مستند به سندی دیگر باشد که در این کتابخانه و یا جایی دیگر دیده است.

سهیلی خوانساری مولانا یحیی قزوینی نویسنده نامه را نخستین کسی می‌داند که در پی فراهم آوردن ابری به روش میر محمد طاهر بوده است^۳، اما از طرفی، هم روش میر محمد طاهر شناخته شده نیست و هم ابری‌هایی در نسخه‌هایی از قرن ۱۰ به‌جای مانده‌اند که در ابتدای کاغذسازی ابری توسط میر محمد طاهر تردید ایجاد می‌کند. بر اساس این نامه‌ها باید در اوایل قرن یازدهم و یا اواخر قرن ۱۰ و شاید در دربار اکبر شاه گورکانی بوده باشد.

پس از وی دانشمند فقید محمدتقی دانش‌پژوه در هنر و مردم از این سند یاد می‌کند. وی کهن‌ترین

۱. افشار، ایرج، دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک، جلد هفتم، ص ۹۹.

۲. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، مقدمه، ص ۴۰ و ۴۱.

۳. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، مقدمه، ص ۴۰ و ۴۱.

سندی را که در آن از ابربیاد شده سرگذشت خواجه عبدالله مروارید می‌داند که در حبيب السیر و خلاصه الاخبار تذکره دولت‌شاه سمرقندی، مجالس النفايس و دیگر منابع آمده است.^۱ اطلاعات دانش پژوه نیز از روی فهرست‌های تهیه شده برای نسخه‌های این کتابخانه توسط احمد منزوی بوده است.^۲ دانش پژوه از نامه دیگر ملاخلیل هم یاد می‌کند که در این مجموعه وجود دارد. و لی با مراجعه به مکاتیب این نسخه مشخص شد موضوع نامه سوم ادبی است.

گویا آخرین کسی هم که از این نامه‌ها استفاده کرده آقای سمسار بوده که در مقاله ابری در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی از آن‌ها بهره برده است.^۳ جایی هم به کشف تازه نامه مولانا تذهیبی قزوینی و انتشار این نامه‌ها اشاره شده است!^۴

متن دو نامه که در ذیل می‌آید بسیار شبیه به هم است و مضمون و حتی جمله‌بندی مشابه در آن‌ها می‌توان یافت. هر دو سند مشعر به این هستند که از اصحاب تجارت، اوراقی از کاغذهای ابری، ساخته میر محمد طاهر را به نزد ذوالفقارخان آورده‌اند و وی آن‌ها را پسندیده و دستور داده از این کاغذ کتاب‌ها و مرقعات را حاشیه کند. چون این کاغذها کفاف تمامی کتب را نمی‌کرده است به نویسندگان نامه‌ها مأموریت داده می‌شود تا از این کاغذها تهیه کنند. پس دانسته می‌شود که هر دو نویسنده باید در کاغذ سازی و یا ابری‌سازی دستی داشته باشند. آن‌ها بخت خود را می‌آزمایند اما چون آثار خود را پایین‌تر از کاغذهای تحفه هند می‌دیدند کاغذهای ابری خود را بوسیله کسی (در نامه دوم بوسیله فردی به نام نجم‌الدین عبدالله) به هند می‌فرستند تا با دیدن آن کاغذها میر محمد طاهر میزان کار آن‌ها را بدانند و در راهنمایی ایشان بکوشد.

نام ذوالفقار خان که در هر دو نامه آمده است ناظر به ذوالفقار خان برادر فرهاد خان قرامانلو است. بر اساس تاریخ عالم آرای عباسی در اوایل قرن ۱۱ و در سال هشتم جلوس شاه عباس «انتظام مهمات و لاییت آذربایجان برای ذوالفقار خان برادر فرهاد خان مفوض گردید»^۵ از وی به عنوان بیگلربیگی آذربایجان^۶ امیرالامرای آذربایجان^۷ و حاکم اردبیل^۸ یاد می‌شود که سرانجام به‌دست قرچقای بیک در سال ۱۰۲۹ هجری کشته می‌شود^۹ ملاخلیل وقاری بر اساس متن نامه، خود در دارالارشاد اردبیل بوده است اما در

۱. دانش پژوه، هنر و مردم، ص ۲۱.

۲. همان منبع ص ۲۱.

۳. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل ابری.

۴. درباره کاغذ و کاغذ گران: ganjine.honar.ac.ir/essay/showessay

۵. اسکندر بیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، ص ۴۴۲.

۶. همان ص ۵۶۵.

۷. همان ص ۵۷۵.

۸. همان ص ۶۳۸.

۹. همان ص ۸۰۷.

نامه قزوینی اشاره‌ای نشده است. ولی او هم علی القاعده باید در دربار ذوالفقار خان در اردبیل بوده باشد. از ذوالفقار خان نامه‌های زیادی در منشآت و مکاتیب کتابخانه‌ها و از جمله همین نسخه (۳۸۴۶) وجود دارد. مرحوم دانش‌پژوه در مورد هویت محمد طاهر و یحیی قزوینی حدس‌ها و گمان‌هایی را بیان کرده است.^۱ میر محمد طاهر شاگرد مالک دیلمی از آن جمله است. مالک دیلمی خود در هند بوده است و دستور خوشنویسی رساله‌ای است که وی درباره خوشنویسی نگاشته و هنوز منتشر نشده است. گلستان هنر از میر یحیی قزوینی هم که در قزوین ساکن بوده نام می‌برد که شاید با نویسنده دومین نامه بی‌ربط نباشد.^۲ از ابری‌سازی که در گلستان هنر یاد شده‌اند می‌توان از محمد امین که «در کاغذ رنگ کردن و ابری‌های مختلف نادر عصر بود [و] هفتاد رنگ کاغذ رنگ می‌نمود»^۳ یاد کرد. و نیز «مولانا کپک نیز طرح‌های عجیب و رنگ‌آمیزی طرفه ابداع می‌نمود»^۴.

انواع کاغذ ابری

اغلب کاغذهای ابری به جای مانده از دوره‌های متقدم این فن و هنر در حاشیه مرقعات و نسخه‌های دستنویس و یا به عنوان زمینه یک قطعه نقاشی یا خوشنویسی به کار رفته است و همزمانی آن‌ها با متون تاریخ‌دار آن‌ها متحتم نیست تا بتوان تاریخ اولین ابری‌ها را تعیین کرد. اما با توجه به نسخه‌های قرن دهمی‌دارای کاغذهای ابری نمی‌توان قرن نهم را بدون آزمون و خطاهای این فن قلمداد کرد. نسخه‌های تاریخ‌دار قدیم‌تر از قرن دهم با کاغذ ابری، در صورتی که بتوان همزمانی را اثبات کرد راهگشا خواهند بود. از طرفی رسالات مرتبط با این فنون که به صورت رسالات کوچک و بزرگ در میان نسخه‌ها پراکنده‌اند و یا نسخه‌هایی چون مجموعه صنایع، کشف الصنایع و گاهی مواقع متون موجود در نسخه‌های شیمی‌با کیمیا و علوم غریبه مثل کشف الصنایع می‌تواند مفید باشد.

کاغذ ابری را می‌توان بر اساس ظرافت طرح ابر و باد آن به دو گونه درشت و ظریف تقسیم کرد. طرح‌های درشت کاغذ ابری شبیه رودخانه‌ای از دانه‌ها امواج و رگه‌ها است که انحنا و گردش دایره‌ای دارند و متموج و پیچ و تاب خورده‌اند که از همزدن حوضچه رنگ حاصل می‌شود. حباب‌ها یا قطرات رنگی که زیباتر از هنر رنگ انتزاعی هنرمندان مدرن ترکیب شده‌اند، به صورت اتفاقی ((accidental و کنشی (action) ترکیب رنگی سیالی را پدید می‌آورد که در کنار هنر رسمی یا کلاسیک، ذائقه مخاطب را محظوظ می‌سازد. (تصویر شماره ۴)

نوع دیگر طرح ظریف‌تری است که احتمال می‌رود بر اثر دخالت هنرمند در رنگ با شانه‌های خاصی

۱. دانش پژوه، هنر و مردم، ص ۲۲.

۲. قاضی احمد، گلستان هنر ص ۱۵۴.

۳. همان، ص ۱۴۸.

۴. همان، ص ۱۵۸.

باشد.^۱ (امواج و رگه‌ها به هم نزدیک‌ترند و به جای انحنای شکست یا پیچهای تند دارند که به بالهای پروانه شبیه می‌شوند. شاید این همان است که ابری شانهای می‌گویند. طرحهایی با ترکیب دو طرح مذکور هم کار شده است. مواد مورد استفاده مواد گیاهی است که پس از خشک شده کاغذ در آفتاب با آب لیمو و ساج تثبیت می‌شد.

در دوره‌های بعد ابری‌های دیگری هم دیده می‌شود. کاغذهای ابری فرنگی که نسخه‌های چاپ سنگی دوره قاجار و یا مرقعات این دروه بدان‌ها تجلید می‌شدند در یک ابری، طیف رنگی کمتری با دانه‌های رنگی داشته و به رنگ‌های لاجوردی قهوه‌ای مایل به سبز و صورتی و غیره تهیه می‌شدند. در برخی از نسخه‌های چاپی و سنگی قدیمی این کتابخانه ابری‌سازی بر لبه‌های کتاب (سه طرف به جز عطف) هم دیده می‌شود. نسخه‌ای قدیمی، بسیار زیبا و گویا کار اروپا با لبه‌های ابری خاکستری و بنفش در کتابخانه ملک وجود دارد. نسخه چاپ سنگی آثار عجم چاپ شده در بمبئی سال ۱۳۵۴ نیز به شکلی ضعیف‌تر تزئین شده است.^۲

افشان‌های رنگی و زرین بر لبه‌های کتاب که در کتاب‌های ایرانی از قدیم مرسوم بوده است امروزه در کتاب‌های وارداتی دیده می‌شود. ابری‌سازی برای تزئین قلمدان‌های دوره قاجار در کارهای ابوطالب مدرسی استفاده می‌شد. برخی قلمدان‌های وی با تاریخ ۱۲۷۲ و ۱۲۷۸ که در موزه ملک نگهداری می‌شود طرح ابری به رنگ‌های قهوه‌ای مایل به سبز، نخودی و یا ارغوانی دارد که خطوط نقطه‌چین طلایی در آن‌ها پیچ می‌خورد. که کریم‌زاده تبریزی گویا همین طرحها را سبک قیامت می‌داند^۳ مدرسی این طرح را با ترنج‌هایی با سر اسلیمی که بر قلمدان‌ها و جلد‌ها کشیده و یا چسبانیده میشد، ترکیب می‌کرد و بر سر هر ترنج یک برگ کوچک طلایی می‌کشید. خود ترنجهای هم رنگ‌های روشن یا قرمز داشتند (تصویر شماره ۳). روی ترنجهای یا کتیبه‌ها طرح خطوط طلایی منکسر نقش می‌شد که برای زبانه قلمدان‌ها مناسب بودند. نمونه کار جلدسازی وی نیز در نسخه مثنوی شماره ۱۱۸۱ کتابخانه مجلس و یا یک قاب دور یک نقاشی موجود در موزه ملک دیده می‌شود.

در پایان از برخی شاهکارهای ابری مجموعه ملک باید ذکری به میان آورد. قطعات نقاشی یک نسخه از مهر و مشتتری عصار تبریزی و قطعه خوشنویسی ثلث عبدالغنی [؟] که در قرن یازدهم حاشیه شده‌اند رنگ‌های زرد آبی فیروزه‌ای و سفید دارند. یک نسخه از دیوان حافظ (شماره ۶۰۳۳) شاهکار کاغذ ابری این مجموعه می‌تواند نام بگیرد. کاغذ متن این نسخه خانبالغ است و کاغذ حاشیه ابری مختلف الیوان است. یکی از برگه‌ها شبیه کارهای ابوطالب مدرسی است که به او اشاره شد (تصویر شماره ۴). تاریخ‌گذاری حاشیه‌های این نسخه مطالعه و نمونه‌های بیشتری از کاغذ ابری را نیاز دارد. حداقل ۱۰ طرح مختلف ابری

۱. برای مراحل و روشهای ساخت ابری نک: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ذیل ابری.

۲. دیگر تزئینات لبه کتاب مثل افشان رنگی و زرین و یا نوشته نام کتاب بود. کتابهای چاپ سنگی فرهاد میرزا غالباً نوشته ای بر لبه کتاب به خط خوش و ی دارند. گویا کتابها را از لبه هم در قفسه می‌چیدند(؟).

۳. محمد علی کریم زاده تبریزی آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۸، ص ۴۵.

در این نسخه ناقص (و البته با برگ‌های مشوش) از دیوان حافظ با رنگ‌های متفاوت کار شده است و حتی روی جلد میشن آن نیز سعی شده طرحی ابری وار درست کنند. هنوز پس از قرن‌ها این نسخه چون دستنویبی دستان را ساعت‌ها معطر به بوی سبزه می‌دارد و از طرفی دارای یک مجلس مینیاتور از قرن دهم است که فوق‌العاده نفیس و زیبا کار شده است. این نسخه نفیس حتی با همین یک نگاره سعی کرده است به شأن اشعار حافظ نزدیک شود.

نسخه دیگر از کارهای زیبای ابری مرقع سرمشق خط نستعلیق این کتابخانه از دوره قاجار است.^۱ (مرقع شماره ۶۴۰۶) در کاغذ نازک و فرنگی این مرقع، هر طرف کاغذ یک طرح مختلف ابری دارد. نکته دیگر آنکه در این مرقع کاغذ با کاغذ ابری تحشیه نشده است، بلکه با موادی سطح داخلی کاغذ را پوشانیده‌اند تا فقط حاشیه کاغذ ابری گردد و در میان آن بتوانند کتابت نمایند که اثری موفق نیز حاصل شده است.

باید گفت در نسخه‌های متن و حاشیه گاهی ارزش نسخه کاهش می‌یابد. متن و حاشیه کردن کاغذ با کاغذ ابری نفاست نسخه را بالا می‌برد. گرچه این مورد به نوع کاغذ ابری، جنس و تناسب کاغذ متن و حاشیه و مهارت در پوشانیدن لبه کاغذها در محل اتصال و جدول کشیدن آن‌ها نیز بستگی دارد. با آنکه در استنساخ نسخ خطی رسم بر اعلام شماره برگه است، اما به جهت تسهیل در یافتن شماره صفحه در اینجا شماره صفحه را بر اساس شماره‌گذاری استاد شیخ پهلوان حسین^۲ که غالباً به دقت انجام شده و در بالای صفحات با مداد نوشته شده (میان دو ممیز) آورده‌ام.

نامه اول:

۲۶۴/سواد کتابت بلاغت شعاری ملا خلیل و قاری که نزد میر محمد طاهر و اضع کاغذ ابری در هند نوشته:

تا کک بدایع نگار غریب آثار گردون بوقلمون به انامل ابداع و اختراع اشکال و تماثیل متلونه متنوعه بر صحایف سیاه و سپید لیل و نهار نگارد و بوساطت و وسیلت حرکات مختلفه و اوضاع متفاوته افلاک صفایح لوایح خاک نقوش مختلفه الالوان برآرد جراید ایام از ارقام صنایع بدایع ارتسام خیر الانام حبر الایام موشح باد و مشام استشمام موصول و مهجور و نزدیک و دور از روایح فوایح بهارستان و گلستان مبتدعات و مخترعات ان نادره دوران و مصدر صادرات ندرت؟ نشان مروح و مفعوح اعز؟ مخترع الوان عجیبه و مصنع صنایع غریبه طاهر نسب ظاهر حسب قدوه ارباب صنایع اسوهی اصحاب افعال البدایع نادره الدوران و حید

۱. تاکنون از مرقعات این مجموعه هیچ‌گونه اطلاعی منتشر نشده است. یافتن این مرقعات نیز توسط محققان کاری دشوار بود. نگارنده تمامی مرقعات و آلبوم‌های عکس‌های تاریخی موجود در مجموعه ملک را در قالب یک کتاب آماده کرده است که توسط انتشارات آستان قدس در دست انتشار است.

۲. استاد شیخ حسین پهلوان حسین کتابدار نسخه‌های خطی مجموعه ملک بود که پیش از بازنشستگی، اصلاحاتی بر فهرست‌های نسخه‌های خطی (نسخه‌های عربی) مجموعه صورت داد.

العصر و الاوان الموفق من الله بالطبع الباهر المويد من عندالله بتهذيب اخلاق الباطن و الظاهر سيدا سندا محمد طاهر آنکه صورت ساز فطرت عالی و چهره پرداز ذهن متعالیش / ۲۶۵/ بی توسل قلم لازم الرقم چندین هزار هیاکل متنوعه و نقوش مختلفه برسطح آب بر نظر منتظران جلوه نمایش دهد و عکوس آن تماثیل موهومه و صور معدومه را که حقیقتاً نمود بی بود و هیولای بیوجود است که نقش بر آب عبارت از آن و وجود سیمیا از رقم آن است.

براوراق اطباق قرطاس در نظر عبرت اساس بر طبق عرض نهد گویا بدایع اشکال سیمیا سازان بلاد هندوستان و عجایب احوال سحرپردازان آن و لایت غرایب نشانست که به قدیم تابعیت و خطوه‌ی تبعیت متابعه و مماشاه آن نموده‌اند و بکام تتبع و تقلید و ادای مماثلت مشاکلت آن پیموده و گرنه ادراک حقیقت بیرون از دایره‌ی عقل ذوفنونست و استعلام کیفیت آن از حیطه‌ی افهام بیرون اگر چه دیده صورت بین از مشاهد جمال صوری بنابر تقیید به قیودات نفسانی که حجاب دیده سالکان ممالک مسالک مجازست محروم مانده اما بعین معزنا بر کثرت استماع مکارم اخلاق و محاسن اغراق از السنه و افواه مسافران پیدای تحقیق و مترددان و ادی تدقیق همواره مشاهده حال و ملازم مجلس دولت و اقبال بود بیت:

چنان در دل و دیده جا کرده‌ای که گویی ترا سالها دیده‌ام

از و فور استیلائی عشق و محبت و علو استعلائی لوی ارادت و مودت به مقتضای موادی المجاز قطره الحقیقه محبت مجازی منجر به اتحاد حقیقی کشته و طلب ملاقات صوری مبدل به طالبیت معنوی شده برهنمونی قاید توفیق و هدایت‌های تحقیق دست اعتصام به اذیال ارادات مستلزم الهدایه آن خاندان مصطفوی و مرتضوی مستحکم گردیده همواره غاشیه فدویت بر دوش و حلقه بصیرت در گوش دارد امید که چون خورشید را بعد مکانی مانع فیض نور افشان نیست مباحثت جسمانی حجاب فیوضات روحانی نگردد و سحاب بهار را در اقطار امطار لب‌تشنگان خاک بعد مسافت ظاهری موجب انقطاع ترشح مراجم و عواطف باطن نشود چون اتحاد و داد ظاهرا / ۲۶۶/ و باطنا شعار و دثار است روزگار متوالیه و اعوام متتالیه به ذکر محامد شریفه و مناقب منیفه که لازم ذات مستجمع الحسنات و جبلی و فطری آن مصدر حیثیات است مواظبت می‌نمود و به نشر ماثر و بسط معانی و مفاخر زبان بیان می‌گشود تا آنکه در این ایام مرت انجام که ازمان زندگانی چون اوان و سال جانان بگو؟ شیرین و جهی نهجی جاری و گلزار خنده آثار معاشرت از شوایب شوک مکاره پیراسته و طاری بود فرقه از اهالی تجارت و زمره از اعالی اصحاب نظارت که ماثر جلیله و مفاخر علییه‌ی ارباب حیثیات بتوسط لسان حقیقت بیان آن جمع سامی بموجب مضمون صدق مشحون بیت:

مجاور مسافر به جان پرورد که نام نیکویش به عالم برد

در اقطار امصار سایر است و صیت مکارم و حسن شمایم مرتقیان مدارج فضل و هنر به توسل تقریر دلپذیر آن طبقه گرامی در مسامع مجاور و مسافر دایر رحل اقامت و بساط استقامت از دار الارشاد اردبیل که به حسب لطافت هوا و شرافت زمین بی‌نظیر و عدیل است‌انداختند و به تذکره و تبصره کیفیت و کمیت امتعه و اقمشه خود پرداختند و عرض متاع خود در نظر مشتریان تحایف نفسیه نمودند و زبان به

محاسن و مدایح کالای خویش گشودند و بندی از نفایس اجناس و بعضی از شرایف تحایف ندرت اساس به طریق ذریعه و پیش کش در معرض غرض نظر کیمیا اثر دوحه برومند حدیقه سلطنت و ایالت سر و بلند قامت ریاض حکومت و حشمت سیف بازوی دشمن سوزی شمع انجمن فتح و فیروزی عضدالدوله القا هره حسام الملّه الباهره خان عالیشان **ذوالفقار خان** مدخلود دولته و ابود حشمته بعون عنایت الملک المستعان رسانیدند. عهده آن صحایف مصنوع آن یگانه دوران و زبده آن‌ها لطایف مطبوع آن نادره زمان ندمای بزم فلک قرین و جلسای محفل ارم تزیین از الوان و نقوش عجیبه و حرکات صور غریبه انگشت تحیر و تعجب به دندان گرفتند نواب مستطاب را چون حسن الطاف و /۲۶۷/ از نظر اعطاف به ارباب حیثیات و اصحاب قابلیت به مرتبه قصوی و درجه علیاست. زبان گهرفشان به ذکر اوصاف حمیده و اوضاع پسندیده آن مخترع و مبتدع صور و الوان عجایب گشودند و اشارت فرمودند که اکثر کتب منظوم و منثور سرکار عالی بتحشیه آن مصنوعات غرایب آیات تجلیه پذیرد و حواشی مقطعات مرقات کتب‌خانه خاصه بوصالی آن اوراق که نادره آفاق است زیب و زینت گیرد چون بواسطه اتمام مذکورات آنچه تجار کفایت آثار آورده بودند کافی نبود و بر ضمیر حقایق تصویر نواب معلی القاب صورت‌پذیر بود بنده قلیل البضاعه عدیم الاستطاعه با وجود عدم مواد استعداد گاهی نقش تتبع آن فن بر لوح طبع می‌نگارد و خود را از طالبان و راغبان این صنعت عجیب می‌شمارد و حکم مطاع نمودند که بنده متقلد قلاده تقلید این امر بدیع شده به متابعت و مشایعت آن نقش بر آب زندو به مقتضای مفهوم المامور معذور اقتباس انوار از آثار ضمیر فیض تأثیر نموده و بر آینه خیال مرتسم گردانید که چون ماه جهانتاب را بعد مسافت از آفتاب مانع استنضات و استنارت نیست تواند بود که دوری صوری حجاب استفاضه و استعاضه طالبان دور و مریدان مهجور نگردد و استعارت پرتو همت از آن آفتاب عطیه بخش حسنه و منطقه ا رادت با سعادت بر میان جان بسته شروع در این امر مهم نمود و زبان قلم خیال بار تسام این مرتسمات موهومه علی‌الرسم گشوده اوراق چند را از کثرت صور مختلفه و هیأت متنوعه نمونه و رق خیال ساخت و به انتقاش و انطباق آن به قدر قدرت اما نقوش مزوره ذره قلم مانی قدرت را در جنب احسن صور کلک اقتدار سبحانی چه اعتبار و اشکال خیال ساحران را در برابر افعال عصای موسی چه قدر و مقدار. بیت:

خیال از روی بحر می‌پزد هیهات چه‌هاست در سر این / ۲۶۸ / قطره محال اندیش
اطلاع بر حقایق مخزونات و مدخرات این کنوز و و قوف بر دقائق مخفیات و مبهمات این فن مزبور
موقوف باهدا و ارشاد آن مایه رشد و رشاد است و منحصر به امداد و اسعاد آن استاد با سداد. لمحزر هذا
المکتوب:

مریم طبع من ار حامله از فیض تو گشت
هر دم از نطق تو در کندش عیسایی
کلک طبع من اگر رشحه‌ای از فیض تو یافت
هر الف زوست عصا بهر کف موسایی
از مصنوعات ناقص و مسکوکات غیر خالص که عبارت از و رقی چند نامرغوب بل به عیوب متنوعه
چون بیماران به دارالشفای عاطفت و لب‌تشنگان به سرچشمه مرحمت ایشان روان داشتیم تا شربت شفایی
از طبیب اصلاح کامل چشند و یا به آب حیاتی از یمن تربیت شامل آن خضر تحقیق رسند. نی‌نی مسافران

عمان طلبند. در سفینه امید نشسته و از باد مخالف حوادث روزگار طناب رجا را از لنگر قرار گسسته از تشویش سحاب متراکم سراسیمه چون موج و از تشویر بحر متلاطم گاه در نشیب و گاهی بر اوج امید که از شرطه توجه عالی رخت مراد بساحل نجات کشند و از فیض همت کیمیا خاصیت به شرف منظوریت و مجالست بزم خاص رسند و از فواید کرم تعلیم غوامض این فن سحر قرین و عواید مواید نعم تفهیم این رمز اعجاز آئین که بی شائبه تریاق فاروق رنجوران مهجور و داروی اصلاح اسقام مزاج مهجوران رنجوریت حقه‌های آرزو پارسازند و به پرسش حال علیلان زاویه چون‌هاویه فراق و بیماران مسطوره افتراق پردازند که علت غایی این ارقام مقصی به ابرام و مطلب اصلی از تحریر این کلمات طالیت سرانجام محض استتلاب افتتاح مرموزات این فن و عین استعمال مکنونات این صنعت از طبع و قاد آن نادره زمن است مرجو و مأمول آنکه اوراق مطالب آمال به ترقیم حروف اصول این مرام مرقوم و صحایف آرزو به ارتسام نقوش این مطلوب مرسوم گردد و باقی کیفیات و حالات و اوضاع و خصوصیات محول به تقریر دلپذیر حامل صحیفه المودت است که در حین شرف ادراک ملازمت عالی و استسعاد به و رود حضور متعالی معروض رأی منیر حقایق تصویر خواهد گردانید. چون حفظ الغیب مریدان مهجور و از سعادت ملازمت دور از مکارم اخلاق و محاسن اشفاق آن یگانه آفاق بدیع و بعید نیست. صفایح صحایف خاطر دریا مقاطر را بارقام توجهات مرقوم خواهند داشت و صور اخلاص این بنده خاص را بر الواح خیال خواهند نگاشت/۲۶۹/ زیاده از این صفحه بر صحیفه نگاشت. و السلام.

سواد کتابت محمد یحیی قزوینی که نزد میر محمد طاهر و اضع کاغذ ابری نوشته بود

۲۳۲/ مرید توام زانکه جانرا مرادی علیک اعتمادی الیک استنادی

انشاء تحیتی ناشی از منشاء شوق و وفا که منشی ممالک صدق و صفا در صحیفه‌ی محبت و و لا املا نمایند به الطاف مدحتی که فحوای شریفش دال بر کمال مخالفت و و لا ست و شرایف تحیاتی که مضمون لطیفش مخبر از غایت مصادقت و صفا است از آنجا که غایت کمال تشبث به آل عبا و نهایت تعلق بولای ائمه هدی علیهم التحیته و الثنا دارد تحفه‌ی پاکیزه جوهری که گوهر شب چراغ ادراک و افصال از روزه‌ی طبع بلندش افاضه‌ی انوار حدس و دکانما ید و اختر گیتی افروز دانش و کمال از ذروه‌ی بخت ارجمندش استفاضه آثار عز و اعتلا کند اعنی حضرت سیادت و نقابت پناه رفعت و معالی دستگاه حقایق و معارف آگاه لطایف نگار بدایع آثار وحید الزمان فرید العصر و الاوان قطب فلک کمالات منتخب مجموعه‌ی استعدادات قدوه‌ی ارباب هوش و تمیز الموفق من عندالله با طبع السلیم الباهر المشهور فی السنه الخلق بالخلق الطاهر

بلند فطرت و فرخنده بخت و روشن رای فرشته سیرت و پاکیزه طبع و نکته‌شناس

شمساً لفلک السیاده و النقایه و الهدایه و النجابه و الرفعه و العز و المعالی امیر محمد طاهر.

اعضادا می‌گرداند و بر صحیفه‌ی عقیدت رقوم محبت بکلک صداقت سلک بر لوح عرض می‌نگارد که هر چند دیده‌ی ظاهر به جمال مسرت‌افزای مهرآرا منور نشده اما غایبانه چندان از مکارم اخلاق و محاسن

اعراق و شرایف اوصاف و لطایف که مناسب مناصب و مقارب مناقب آن خلاصه‌ی دودمان مصطفوی و نقاوه‌ی خاندان مرتضویست استماع افتاده که نصب العین گشته

در خلوت خیال بهر سو که بنگرم
آینه رخ تو بود در برابرم

و با جمله تا صور کمالات علیه آنحضرت در مرآة خاطر انطباع یافته و صیت حیثیات / ۲۳۳ / و مآثر حلیه بر لوح ضمیر مرتسم گشته لایزال غاشیه ارادات بر دوش و حلقه اخلاص در گوش از میقات صدق و صفا، احرام کعبه‌ی افادت و توجه قبله‌ی استفاوت دارد و در آرزوی شرف صحبت فیاض و سعادت مجالست مجلس حقایق انتهاض روزی به شب و شبی به روز می‌آرد رسام تقدیر که لوح امید را به نقش مراد نگاشتن رسم قدیم اوست که صورتی که معنی تواصل و تلاقی تواند بود از نگارخانه‌ی غیب بصفحه‌ی ظهور نقل کند و بعد از تصویر معنی اخلاص و چهره‌گشائی صورت اختصاص به کلک شوق بر صحیفه‌ی نیاز می‌نگارد که تا ارباب تجارت و اصحاب سفارت کاغذهای ابری که از مخترعات طبع لطیف غریب‌نگار و مبتدعات فهم شریف عجایب آثار آن محامد و مکارم اطوار است و در اقصی بلاد منتشر ساخته‌اند از مشاهده آن طرح و طرز غریب ریاض قابلیت طالبان طراوت و نصارت یافته و از مطالعه‌ی آن فن و رموز عجیب و لطیف مزرع استعداد و مستفید آن ترتیب پذیرفته با آنکه مخلص حقیقی مشقت و ریاضت بسیار در تتبع مآثر آن فنون کشیده در این امر به عجز و قصور خویش اعتراف کرد و در مقام حیرت و تعجب ماند الحق در این معامله عقل حیران و فکر سرگردان و فی حله و کشفه استعین بالله الی الله المستعان همواره خار ترددی در غنچه‌ی دل می‌خلید و غبار توهمی به آینه‌ی خاطر می‌رسید که بدانچه مقدر فهم قاصر باشد در این و ادی طریق سعی و اجتهاد سپرد و بعضی موانع از حجله‌ی خفا به جلوگاه ظهور می‌رسید که بی‌اختیار به تعویق می‌افتاد و از قوه به فعل نمی‌آمد تا آنکه به مقتضاء الامور مرهونه باوقاتها سببی که متضمن حصول مقصد باشد از مکمن غیب به ظهور پیوست و شخصی از آنحدود آمده چند و رق از کاغذ مصنوع آن حضرت با بعضی تحف بر سبیل پیشکش و عراضه؟ به خدمت نواب مستطاب و الاجناب معلى القاب نامدار گردون و قار / ۲۳۴ / خورشید اشتهار معدلت شعار رفیع مقدار اقبال و اجلال پناه عالیجاه خدایگان و لی الاحسان خان عالیشان منبع المکان صاحب الجود و الرافه و الامتنان **ذوالفقار خان** ادام الله تعالی مبانی عظمته و شوکت و خلد ظللال جلال عاطفته و مرحمته الی یوم الحشر و المیزان آورد. بندگان نواب مطاع از تفرج آن محظوظ گشته توجه بسیار نمودند و مقرر ساختند که اکثر کتب نفیسه سرکار عالی را از این قسم کاغذ حاشیه نمایند بعرض رسانیدند که از این نوع آنقدر که تمامی کتب را حاشیه توان کرد میسر نمی‌شود و در این و لایت نیز کسی که تتبع نماید بهم نمی‌رسد چون اوضاع فقیر بواجبی بر مرآت ضمیر بندگان نواب عالیجاه خداوندی جلوه‌گر بود طلب نموده به تتبع این امر اشارت فرمودند چون هیچ امری از امور بی‌خدمت و ریاضت و طلب همت و رخصت از استاد میسرپذیر نیست. غایبانه توجه به باطن فیض مواطن آنحضرت که مخترع این شاهدان دلفریب و مبتدع نوعروسان با خال و زبینه نموده استمداد همت کرد و منطقه شاگردی بر میان بسته با خود تأمل نمود که اگر به حسب مباحثت جسمانی از شرف خدمت آن معالی منقبت دور باشد مقاربت روحانی نمی‌گذارد که شخصی را که دم از طریقه‌ی اخلاص و ارادت در ارتکاب

امری که ضروری و حکمی باشد بی آنکه فی ما بین تلاقی و اقع شود و مستفید گردد از مطلب و مقصدی که پیش نهاده و حکمت خود ساخته باشد مایوس و محروم ماند به هر نوعی که مقدر بود شکسته بسته چند صورت داد و نقشی علی‌الرسم بر آب زد اما از قلت قابلیت و عدم اعتماد بر غریزه خود آن‌ها را و قبی نمی‌نهاد و به مقتضای تأمل در مودای المرء بصیر بعیوب نفسه توسن طبیعت را در میدان اشتها رخصت جولان نمی‌داد و خاطر فاطر بسبب این دغدغه قرار نگرفته بدین ترنم می‌کرد.

در آن بستان که گل قدری ندارد چه قدر و منزلت باشد گیا را

چون دارنده این صحیفه المسوده رفعت‌پناه زین الامائل و الاشیاء مقبول قلوب ارباب الانتباه **نجم‌الدین میرزا عبدالله** متوجه خدمت بودند نحو است که مجلس عالی از دعای این محب صافی خالی باشد. و بوسیله‌ی ضریعه ذریعه این و سیله‌ی خود را بر ضمیر منیر آن حضرت جلوه‌ی عبور داد تا یاد کند که مخلصی هست مرا؟! / ۲۳۵/ و نیز به خاطر ناقص رسید که چند و رق کاغذ بدانچه در وقت گنجد مرتسم ساخته مصحوب جناب حامل این ذریعه المحبه بنظر کیمیا اثران معالی قیاب که حلال مشکلات و فاروق حق و باطلست رساند تا اگر این خرده‌ها بر محک اعتبار کامل العیار نماید به سکه قبول رسانیده در بازار صیرفیان این فن رایج گردانند و الاجمله را در خلاص اخلاص گذاخته عارض حق صرف را از عرصه‌ی تعرض باطل خلاص سازند چون با کریمان کارها دشوار نیست از موجبات فضل و اهتمام خدام در اتمام این مرام و بذل مجهود در تعلیم و تعلم این مخلص مستهام متوقعست که از میانم توجهات جمیل آن عظیم‌العدل جراید مقاصد به ارقام اسعاف و انجاح ارتسام یافته عنقریب خلوت سرای نشینان پرده فضل و حکم که مشاطه کلک صنایع و بدایع نگار رخسار جمالشانرا بزیور خط و خال شهامت آراسته به جلوه‌گاه تفقد و تفضل ارسال گردانند و طبیب طبع مسیحا اقتدار را امر فرمایند که حقه‌های بیانرا از تریاق فاروق کرامت مملو ساخته به و دای پرسش بیماران این فن دلالت نماید و بصد غنج و دلال نقاب ناز از عارض اعزاز برداشته به زبان مهر و محبت تخم مودت در بوستان دل و دوستان کارند و نقش یاد محبان حقیقی را بر لوح ضمیر منیرسترون روا ندانسته به اعلام صور حالات که از تلون سیاهی و سفیدی شب و روز رنگ آمیزی چرخ بوقلمون بر صحیفه‌ی ظهور انتقاش پذیرد^۱ التفات فرمایند و سفینه امید طالبانرا از عمان حرمان به ساحل و صل رسانند و به ارسال مفاوضات و ارجاع خدمات و اشارات ممنون و مسرور سازند بواقی حالات و کمیت^۲ و کیفیت اوضاع و خصوصیات مخلص موقوف به تقریر دلپذیر جناب حامل این صحیفه‌ی المودتست که در هنگام استسعاد به شرف تلاقی معروض خواهند داشت بی ادبی و گستاخی را بذیل عفو و اغماض مستور داشتن و همت بلند را بر تربیت احوال مخلصان و معتقدان نیازمند و اصلاح حال مریدان و مستمندان دردمند گماشتن بی‌شائبه‌ای مناسب شمایل قدسیه ذات آن عالی مثال و ملائیم طور بزرگی آن فرخنده خصال خواهد بود زیاده از این اطناب موجب تصدیع و کلال خاطر می‌گردد الواح آمال و امانی به

۱. اصل: پزیرد.

۲. اصل: بکمیت.

نقوش مقاصد دو جهانی مرتسم باد. برب العالمین.

منابع:

دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸.

اسکندر بیک ترکمان، تاریخ عالم آرای عباسی، به کوشش ایرج افشار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۴.
قمی، قاضی احمد، گلستان هنر، به کوشش احمد سهیلی خوانساری، [تهران]، کتابخانه منوچهری، ۱۳۵۹.

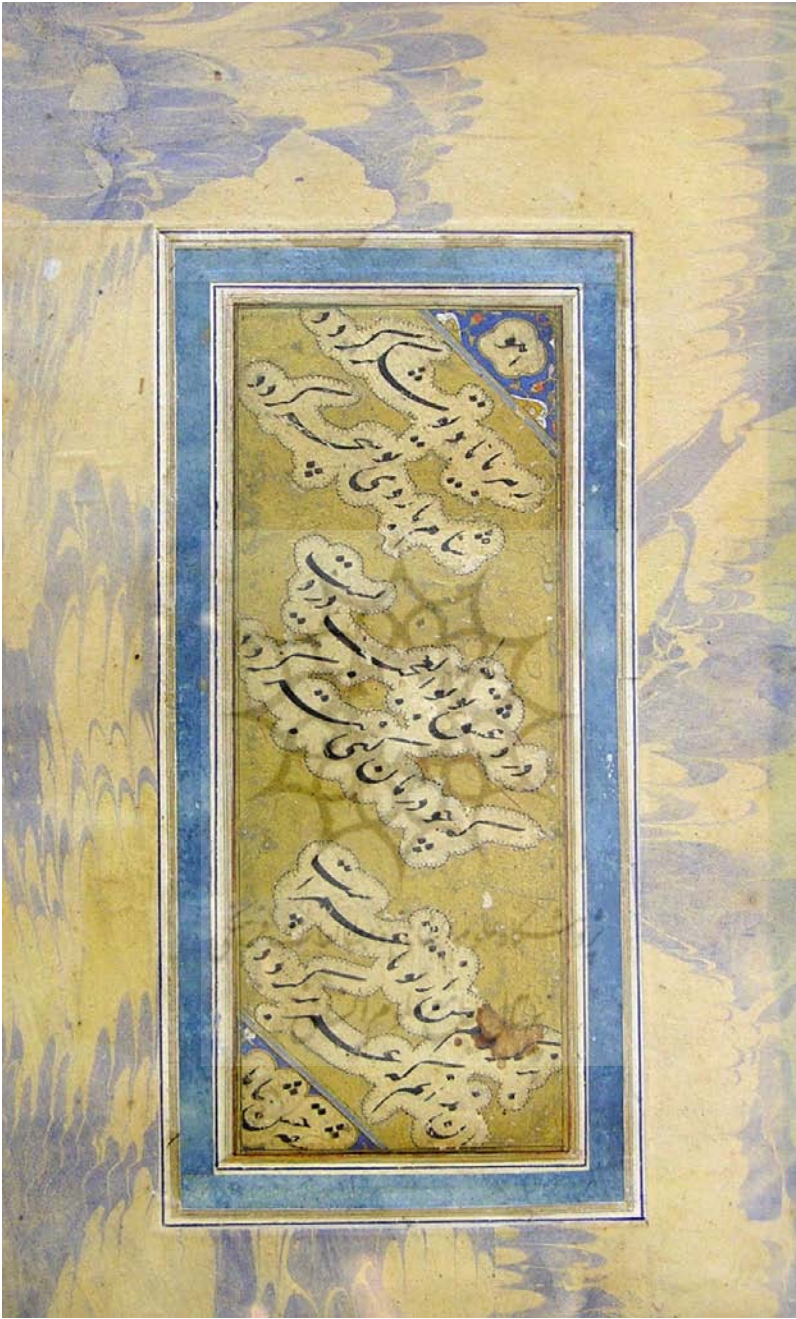
هنر و مردم، دوره ۱۶، شماره ۱۸۱، آبان ۱۳۵۶.
افشار، ایرج و دانش پژوه، محمد تقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک، زیر نظر افشار ایرج، دانش پژوه، و محمدتقی کتابخانه ملی ملک، ۱۳۶۹.

دیوان صائب تبریزی، به اهتمام جهانگیر منصور، سیمای دانش، ۱۳۷۸.
کریم زاده تبریزی، محمدعلی، آثار و احوال نقاشان، لندن، ۱۳۶۸.





سه بیت چلیپای نستعلیق رقم حسن شاملو، با حاشیه کاغذ ابری آبی و سفید، موزه ملی ملک.



پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲۰، ش. ۷ / بهار ۱۳۸۹

سه بیت چلیپای نستعلیق رقم حسن شاملو، با حاشیه کاغذ ابری آبی و سفید، موزه ملی ملک.



قلمدان، با نقش ابر و باد، اثر ابوطالب مدرسی، موزه ملی ملک.



دیوان حافظ (۶۰۳۳)، قرن دهم هجری، حاشیه ابر و باد، کتابخانه ملی ملک.